

آزمون حضوری
شماره سه

رشته انسانی



تجربی | ریاضی | انسانی

ویژه کنکور
۱۴۰۳

مرورنامه آزمون آزمایشی خیلی سبز

نام درس	مباحث	از صفحه	تا صفحه	مؤلف	ویراستار
علوم اجتماعی	زوج درس دهم: درس ۱۲ تا انتهای کتاب صفحه‌های ۹۶ تا ۱۳۵ زوج درس یازدهم: درس ۱۳ تا انتهای کتاب صفحه‌های ۱۰۵ تا ۱۳۴	۲	۱۹	محمدابراهیم مازنی	سعید ستوده‌مهر



درس ۱۲ دهم: تحولات هویتی جهان اجتماعی (علل پیرونی)

ارتباط جهان‌های اجتماعی در چه صورتی به تحولات فرهنگی منجر می‌شود؟

- ارتباط و دادوستد جهان‌های اجتماعی مختلف با یکدیگر، عادی و متداول است، ولی می‌تواند شکل‌های مختلفی داشته باشد.
- این ارتباطات امری پذیرفته شده است و پرسش اساسی نه در اصل ارتباط، بلکه در چگونگی آن است.

روابط در محدوده لایه‌های سطحی جهان اجتماعی (هنجارها، نمادها، شیوه‌های زندگی):

- اگر جهان اجتماعی با حفظ عقاید، آرمان‌ها و ارزش‌های خود، با جهان اجتماعی دیگر دادوستد داشته باشد و در محدوده هنجارها و شیوه زندگی، عناصری را از جهان اجتماعی دیگر بگیرد و در صورت لزوم، تغییرات لازم را در آن‌ها پدید آورد — زمینه گسترش و پیشرفت خود را فراهم می‌آورد.

مثال: جهان اسلام در سده‌های نخستین رویارویی با جهان‌های اجتماعی دیگر:

- (الف) با حفظ هویت فرهنگی خود به تعامل با آن‌ها پرداخت — به همین دلیل عناصر سازگار با هویت خود را از آن‌ها گرفت و به بازسازی آن‌ها پرداخت.
- (ب) به دلیل اهمیتی که اسلام برای عقل و عقلانیت قائل است، در مواجهه با فرهنگ یونان و روم، تنها عناصر عقلی آن‌ها را پذیرفت و به تناسب هستی‌شناسی توحیدی خود، در دانش‌های مختلف آن‌ها دخل و تصرف کرد و عناصر اساطیری و مشرکانه آن‌ها را نپذیرفت.
- (ج) مسلمانان آثار فلسفی، پزشکی، ریاضی و نجوم یونان و روم را ترجمه کردند؛ ولی آثار تاریخی، ادبی، افسانه‌ها و اسطوره‌های آن‌ها را رها کردند.

شکل‌های متفاوت
روابط جهان‌های
اجتماعی با یکدیگر

روابط در محدوده لایه‌های عمیق جهان اجتماعی (عقاید، آرمان‌ها و ارزش‌های اجتماعی):

- اگر جهان اجتماعی در تعامل با جهان دیگر، در عقاید و ارزش‌های خود پافشاری نکند — دادوستد فرهنگی به لایه‌های عمیق آن جهان سرایت می‌کند.

- در صورتی که به مرور زمان، به عقاید و آرمان‌های خود پشت کند — دچار تحولات هویتی می‌شود.

- جهان اجتماعی‌ای که در مسیر تحولات هویتی، ارزش‌ها و عقاید جهان اجتماعی دیگری را قبول کند — به آن جهان ملحق می‌شود.

مثال: جهان اسلام در رویارویی با فرهنگ‌های دیگر، زمینه تحولات هویتی آن‌ها را پدید آورد. بسیاری از فرهنگ‌ها همانند مصر و ایران در تعامل با جهان اسلام، عقاید و ارزش‌های توحیدی آن‌ها را پذیرفتند و به آن ملحق شدند.

- ممکن است یک جهان اجتماعی در مواجهه با جهان اجتماعی دیگر، ضمن پذیرش بخش‌هایی از آن، هویت جدیدی به دست آورد و بدون این‌که به جهان اجتماعی مقابل ملحق شود — دچار تحولات هویتی گردد.

مثال: جهان غرب، طی جنگ‌های صلیبی، پس از رویارویی با فرهنگ اسلامی و پذیرش برخی لایه‌های آن، بدون این‌که به جهان اسلام بپیوندد، تحولات هویتی پیدا کرد. این جهان، بار دیگر با عبور از عقاید و ارزش‌های مسیحیت قرون وسطی، به عقاید و ارزش‌های دنیوی و سکولار روی آورد و هویت جدیدی پیدا کرد.

— خودباختگی فرهنگی —

- جهان اجتماعی هنگامی به دادوستد و تعامل می‌پردازد که اعضای آن، به طور خلاق و فعال براساس نیازها، مشکلات و مسائل خود، با جهان اجتماعی دیگر رویارو شوند.



● اگر اعضای جهان اجتماعی مبهوت و مقهور جهان اجتماعی دیگر شوند ← در نتیجه ← حالت فعال و خلاق خود را در گزینش عناصر فرهنگی دیگر از دست بدهند ← دچار خودباختگی فرهنگی می‌شوند.

اعضای آن، عناصر فرهنگی دیگر را بدون تحقیق و گزینش و به صورت تقلیدی فرامی‌گیرند.
 به روش تقلیدی عمل می‌کند.
 ویژگی جهان اجتماعی خودباخته ← ارتباطش را با فرهنگ و تاریخ خود از دست می‌دهد. ← بنابراین نه می‌تواند فرهنگ گذشته خود را تداوم بخشد یا گسترش دهد و نه می‌تواند آن را رها کند و از آن بگذرد و به جهان اجتماعی دیگری که مبهوت و مقهور آن شده است، ملحق شود.
 نکته: بسیاری از جوامع غیرغربی، در رویارویی با جهان غرب، به دلیل این‌که مرعوب قدرت اقتصادی و سیاسی برتر غرب گشتند، به خودباختگی فرهنگی گرفتار شدند. خودباختگی جوامع غیرغربی در برابر جهان غرب را غرب زدگی می‌نامند.

از خودبیگانگی فرهنگی چیست؟

معنای از خودبیگانگی فرهنگی ← از خودبیگانگی تاریخی: اگر جهان اجتماعی فرهنگ تاریخی خود را فراموش کند و در مواجهه با جهان دیگر، هویت خود را از یاد ببرد، به این معنای از خودبیگانگی دچار می‌شود.
 از خودبیگانگی فطری (حقیقی): اگر عقاید و ارزش‌های یک جهان اجتماعی، مانع از آشنایی اعضای آن با حقیقت انسان و جهان شود، آن جهان دچار این معنای از خودبیگانگی می‌شود.
 مانع از آن می‌شوند که انسان به شناخت و تفسیری صحیح از عالم و آدم برسند.
 در این جهان، انسان‌ها از حقیقت خود و هستی دور می‌مانند.
 ● جهان‌های اجتماعی که براساس فطرت انسان‌ها شکل نگرفته‌اند: تصویری که در این جهان‌ها از انسان ارائه می‌دهند، سرابی از حقیقت است؛ به همین دلیل: (۱) فطرت آدمی در آن به آرامش نمی‌رسد، (۲) انسان به اضطراب و تشویش گرفتار می‌شود، (۳) در نهایت سر به عصیان و اعتراض برمی‌دارد.
 جهان اجتماعی مشرکانه و اساطیری و جهان اجتماعی سکولار و دنیوی، از این‌گونه‌اند.
 ● از نظر قرآن، انسان هنگامی به شناخت حقیقت خود و جهان می‌رسد که با نگاه توحیدی به خود و جهان بنگرد. قرآن، فراموش کردن خداوند را سبب فراموشی انسان از خود می‌داند.

↓
 براساس این نگاه، تنها در جهان اجتماعی توحیدی ← انسان با حقیقت خود و جهان هستی آشنا می‌شود.
 ← درهای آسمان و زمین بر روی انسان گشوده می‌شود.
 ← خود و جهان را آیات و نشانه‌های خداوند می‌یابد.



درس ۱۳ دهم: هویت ایرانی (۱) (هویت فرهنگی ایرانی)

هویت ایرانی در گذر زمان، چه تحولاتی به خود دیده است؟



نکته

- هویت فرهنگی هر جامعه، بر مدار عقاید و ارزش‌های اجتماعی کلان آن شکل می‌گیرد. این هویت، دارای ابعاد تاریخی و جغرافیایی است.
- بعد جغرافیایی هویت جامعه → مکان و سرزمینی است که احساس خاصی را در افراد جامعه به وجود می‌آورد. (وطن)
- بعد تاریخی هویت جامعه → سرگذشت و سرنوشت اعضای یک جامعه است که به صورت خاطره‌ای مشترک از نسلی به نسل دیگر منتقل می‌شود.

انقلاب اسلامی چه تأثیری بر هویت ایرانی دارد؟





درس ۱۵ دهم: هویت ایرانی (۳) (هویت سیاسی ایران)

چه رابطهای میان جهان اجتماعی و نظام سیاسی آن وجود دارد؟

- هر جهان اجتماعی، علاوه بر هویت فرهنگی از هویت سیاسی نیز برخوردار است. ← به همین دلیل در معرفی هر جامعه، از ویژگی‌های سیاسی از جمله نظام سیاسی آن نیز یاد می‌کنند.

– بررسی چند مفهوم مرتبط با سیاست –

- ۱) قدرت
 - هرگاه موجودی بتواند کاری را با آگاهی و اراده خود انجام دهد، دارای قدرت است؛ انسان به دلیل این که کارهای خود را با علم و اراده انجام می‌دهد، کنشگری قدرتمند است.
 - انواع قدرت انسان
 - فردی: قدرت فردی انسان محدود است؛ به گونه‌ای که نمی‌تواند همه نیازهای خود را به تنهایی برآورده سازد و به دیگران محتاج است.
 - اجتماعی: قدرت اجتماعی، هنگامی پیدا می‌شود که انسان برای رسیدن به اهداف خود، بتواند بر اراده دیگران تأثیر بگذارد و کار ارادی آنان را به خدمت بگیرد.
 - نکات
 - ۱) کسانی که در زندگی توانایی تأثیرگذاری بیشتری بر اراده دیگران دارند، از قدرت اجتماعی بیشتری برخوردار هستند.
 - ۲) علاوه بر افراد، نهادها و سازمان‌ها و جوامع نیز دارای قدرت اجتماعی هستند.
- ۲) مقبولیت و اقتدار
 - تنها راه تأثیرگذاری بر اراده دیگری (برای رسیدن به قدرت اجتماعی)، جلب تبعیت اوست. ← یعنی او باید بپذیرد مطابق آنچه از او می‌خواهیم عمل کند ← به همین دلیل قدرت اجتماعی، بدون پذیرش و توافق دیگران پدید نمی‌آید.
 - تبعیت اراده یک انسان از انسان دیگر به دو صورت می‌تواند باشد:
 - الف) تبعیت با کراهت؛ وقتی است که تبعیت ناشی از ترس و تهدید باشد.
 - ب) تبعیت با رضایت؛ وقتی است که شخص با میل درونی، مطابق اراده دیگری عمل کند.
 - قدرت مقبول: قدرتی که بدون استفاده از تهدید و با رضایت طرف مقابل به دست می‌آید، قدرت مقبول است.
 - اقتدار: قدرتی که با مقبولیت همراه باشد و به صورت رسمی پذیرفته شده باشد، اقتدار نامیده می‌شود.
 - مدار مقبولیت، خواست و اراده کسانی است که قدرت بر آن‌ها اعمال می‌شود.
 - مدار مشروعیت، حق و باطل بودن است.
- ۳) مشروعیت قدرت
 - اگر قدرت موافق حکم و قانون و اراده تشریعی خداوند اعمال شود، مشروعیت حقیقی دارد.
 - اگر قدرت مبتنی بر ایدئولوژی‌های ساختگی بشری باشد، مشروعیت دروغین دارد.

نکته

- رابطه مقبولیت و مشروعیت قدرت: مقبولیت و مشروعیت حقیقی می‌توانند با هم باشند و در برخی موارد نیز جدا از یکدیگر باشند.
- جایی که قدرت مطابق حکم و قانون الهی باشد و تبعیت از قانون نیز با رضایت و میل همراه باشد ← اقتدار و قدرت، هم مشروعیت دارد و هم مقبولیت.
 - هنگامی که قدرت برخلاف حکم و قانون الهی باشد و تبعیت از قدرت هم از روی احساس رضایت باشد ← اقتداری غیرمشروع شکل می‌گیرد.

مروارثه آزمون آزمایشی خیلی سبز



۴ سیاست

- هرگاه قدرت برای رسیدن به هدفی معین سازمان پیدا کند، سیاست پدید می‌آید.
- سیاست، اعمال قدرت سازمان‌یافته برای دستیابی به هدفی معین است.
- سیاست در معنای عام خود، شامل هر نوع تدبیر و سامان‌دادن قدرت است.
- هر جهان اجتماعی به تناسب هویت و فرهنگ خود، آرمان‌ها و ارزش‌های ویژه‌ای دارد و نمی‌تواند بدون سیاستی مناسب به ارزش‌ها و آرمان‌های خود دست یابد.

۵ نظام سیاسی

- مجموعه سازوکارهایی که برای اعمال سیاست‌های جهان اجتماعی وجود دارد، نظام سیاسی را شکل می‌دهد.
- در یک جهان اجتماعی، نظام سیاسی نمی‌تواند مستقل از نظام‌های دیگر مانند نظام فرهنگی و اقتصادی باشد.
- بنابراین
- نظام سیاسی بر نظام‌های دیگر اثر می‌گذارد و از آن‌ها تأثیر می‌پذیرد.
- مثال ۱: با تشکیل اتحاد جماهیر شوروی، مزرعه‌داری دولتی و اشتراکی رایج شدند. این مثال نشان‌دهنده تأثیر نظام سیاسی بر نظام اقتصادی است.
- مثال ۲: وجود شعار «جدایی دین از سیاست» بر سردر کلیسایی در فرانسه، نشان‌دهنده تأثیر نظام سیاسی بر نظام فرهنگی است.

تأثیر نظام فرهنگی بر نظام سیاسی

- نظام فرهنگی عقاید، ارزش‌ها و اصول حاکم بر نظام سیاسی را تعیین می‌کند.
- اگر عملکرد نظام سیاسی در جهت عقاید و ارزش‌های فرهنگی جامعه باشد
- اقتدار نظام سیاسی را تأمین می‌کند.
- اگر نظام سیاسی به دلایل داخلی و یا تحت تأثیر فشار عوامل خارجی، از اصول و ارزش‌های فرهنگی خود عدول کند
- نظام فرهنگی اقتدار نظام سیاسی را کاهش می‌دهد.
- نظام سیاسی اگر به ارزش‌های فرهنگی جامعه وفادار بماند، با استفاده از مدیریت سیاسی خود
- به بسط و توسعه فرهنگ کمک می‌کند.
- اگر نظام سیاسی از ارزش‌ها و آرمان‌های فرهنگی دور شود
- زمینه تعارضات، تزلزل و بحران‌های فرهنگی و هویتی را پدید می‌آورد.

نظام‌های سیاسی چه انواعی دارند؟

- نظام‌های سیاسی را براساس ملاک‌های گوناگون به انواع مختلفی دسته‌بندی می‌کنند. ملاک‌های دسته‌بندی نظام‌های سیاسی در جدول زیر آمده است:

ملاک تقسیم‌بندی	انواع
براساس کمیت افراد تأثیرگذار (تعداد حاکمان)	(۱) نظام‌ها و حکومت‌هایی که در آن تنها اراده یک فرد تأثیرگذار است. (۲) نظام‌هایی که تنها یک اقلیتی از مردم در آن تأثیرگذارند. (۳) حکومت‌هایی که در آن‌ها اکثریت مردم در سرنوشت سیاسی خود اثرگذارند.
براساس روش تصمیم‌گیری (روش حکومت)	(۱) کسانی که در تصمیم‌گیری‌های سیاسی دخیل هستند، براساس خواسته‌ها و اغراض خود تصمیم می‌گیرند. (۲) کسانی که در تصمیم‌گیری‌های سیاسی دخیل هستند، بر مدار حقیقت و فضیلت و با موازین عقلی تصمیم می‌گیرند.
براساس دینی یا دنیوی بودن	(۱) حکومت‌هایی که براساس سنت و قانون الهی عمل می‌کنند. (۲) حکومت‌هایی که براساس سنت و قانون الهی عمل نمی‌کنند.



– دسته‌بندی ارسطو از انواع نظام‌های سیاسی –

● ارسطو از دو ملاک اول و دوم (تعداد حاکمان و روش حکومت) برای دسته‌بندی نظام‌های سیاسی استفاده می‌کند و از شش نوع حکومت نام می‌برد.

شيوه حکومت	براساس فضيلت	براساس خواست و ميل حاکم
تعداد حاکمان		
فرد	مونارشی	تیرانی (استبدادی)
اقلیت	آرسیتوکراسی	الیگارشی
اکثریت	پولیتی (جمهوری): حکومتی است که در آن اکثریت مردم براساس حقیقت و فضیلت حضور و فعالیت دارند.	دموکراسی: به معنای حاکمیت مردم است و در این نوع حاکمیت، مردم براساس خواسته‌ها و تمایلات خود حکومت می‌کنند.

– دسته‌بندی فارابی از نظام‌های سیاسی –

● فارابی با استفاده از دو ملاک اول (تعداد حاکمان و روش حکومت) و افزودن ملاک سوم (دینی یا دنیوی بودن)، از مدینه فاضله و جاهله نام می‌برد. مدینه فاضله ← جامعه‌ای الهی است که براساس سنت و قانون الهی شکل می‌گیرد. از نظر فارابی، حقیقت با اراده الهی تعیین می‌شود و با کمک عقل و وحی شناخته می‌شود. مدینه جاهله ← جامعه‌ای است که ارزش‌ها و آرمان‌های آن‌ها، عقلانی و الهی نباشد. فارابی جوامع جاهلی را براساس نوع آرمان‌ها و ارزش‌هایی که دارند، به اقسامی تقسیم می‌کند.

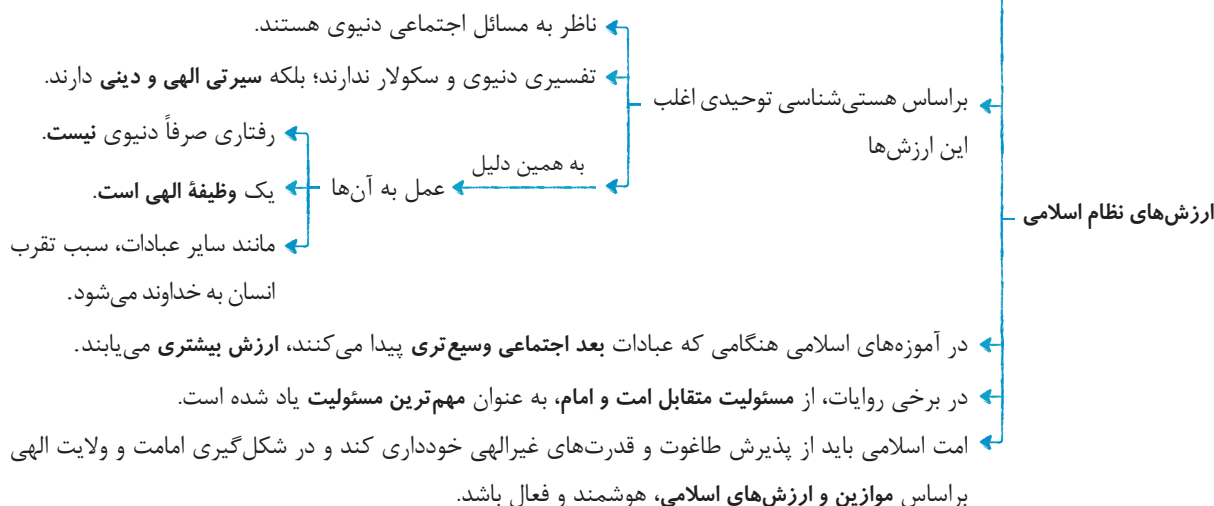
شيوه حکومت	انسان محور	خدامحور
تعداد حاکمان		
فرد	براساس فضيلت انسانی	براساس ملت الهی
اقلیت	کرامیه (جامعه سرفرازی)	تغلیبه (جامعه زورگویی)
اکثریت	ضروریه (جامعه قناعت گرایی)	خست (جامعه خوش گذرانی)
	جماعیه (جامعه آزادی)	یسار یا بداله (جامعه مال‌اندوزی)
		مبدله
		فاضله
		فاسقه
		ضاله

– تفاوت لیبرال دموکراسی و جمهوری اسلامی –

لیبرال دموکراسی	جمهوری اسلامی
<p>لیبرالیسم به معنای اباحت و مباح دانستن همه امور برای انسان‌هاست.</p> <p>معنا ← دموکراسی به معنای حاکمیت مردم است.</p>	<p>عنوان جمهوری در این ترکیب به معنای به رسمیت شناختن حضور مؤثر مردم در نظام سیاسی است.</p> <p>معنا ← کلمه اسلامی در این ترکیب نشان‌دهنده این است که فعالیت مردم و نهادها بر مبنای عقاید و ارزش‌های اسلامی سازمان پیدا می‌کند.</p>
<p>این نظام سیاسی هیچ حقیقت و فضیلت فطری و جهان‌شمولی را به رسمیت نمی‌شناسد و حکومتی دنیوی و این‌جهانی است.</p>	<p>با خواست مردم و در ذیل مشیت الهی شکل می‌گیرند.</p> <p>در نظام اسلامی، احکام و مقررات با عقل و وحی شناخته می‌شوند.</p> <p>انسان‌ها مسئولیت شناخت و اجرای آن‌ها را دارند.</p>
این نظام سیاسی، با فرهنگ جهان غرب که رویکردی دنیوی به عالم هستی دارد، سازگار است.	جمهوری اسلامی یا مردم‌سالاری دینی، نوعی نظام سیاسی است که در جهان اسلام مورد توجه امت اسلامی قرار گرفته است.
در اندیشه لیبرال دموکراسی نمی‌توان از مشروعیت حقیقی سخن گفت.	در این نظام، می‌توان از مقبولیت و مشروعیت حقیقی سخن گفت.

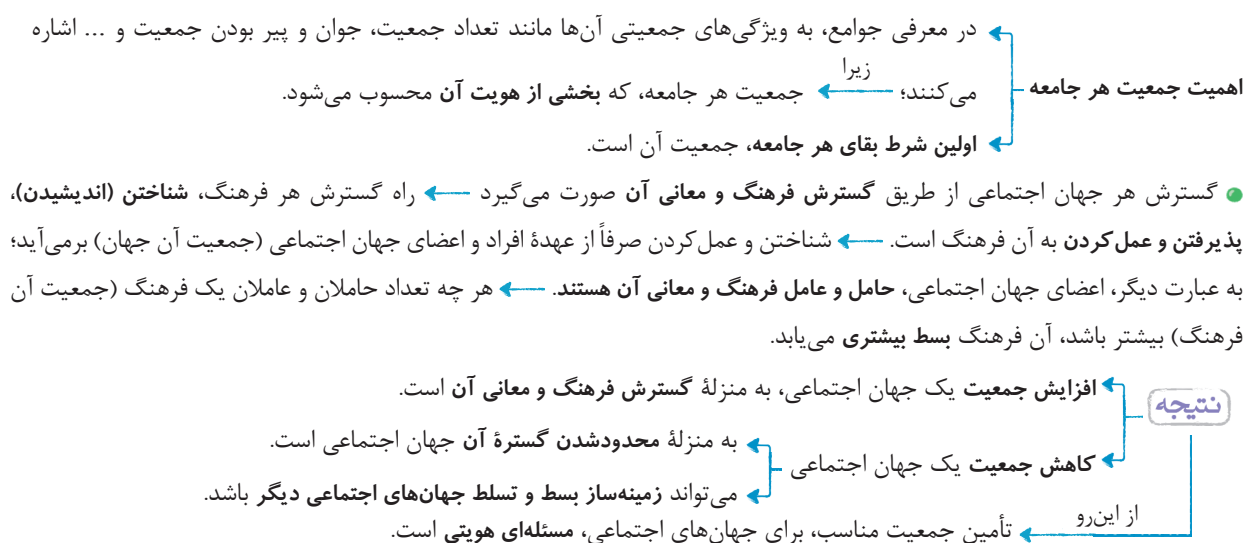


عبودیت، عدالت، آزادی، استقلال، امنیت، تأمین اجتماعی و تکافل عمومی، مشورت و مشارکت در امور عمومی و ... از جمله ارزش‌های اجتماعی اسلامی است.



♦♦ درس ۱۶ دهم: هویت ایرانی (۱۶) (هویت جمعیتی و اقتصادی ایران) ♦♦

♦♦ جمعیت هر جامعه چه رابطه‌ای با هویت آن دارد؟ ♦♦



– اهمیت تأمین جمعیت در اسلام –

- هدف اسلام، تأسیس جهان اجتماعی توحیدی و گسترش آن است. → لازمه تحقق این هدف داشتن جمعیت مناسب است. از این رو پیامبر اسلام (ص) روز محشر، به کثرت پیروان خود مباحثات می‌کند.
- در اسلام در صورت وجود دو شرط، افزایش جمعیت ضروری است و در صورت فقدان هر کدام از این شرایط، جهان اجتماعی توحیدی نیست.
- فرهنگ و معنایی که با افزایش جمعیت بسط می‌یابد، فرهنگ حق باشد.
- در صورت فقدان این شرط
 - جامعه مشرک پدید می‌آید. جامعه مشرک، جامعه‌ای است که براساس عقاید و ارزش‌های باطل شکل می‌گیرد.



۲) افراد و اعضای فرهنگ، حاملان و عاملان معانی حق باشند.

در صورت فقدان این شرط

جامعه فاسق پدید می‌آید. جامعه فاسق، جامعه‌ای است که اعضای آن عقاید و ارزش‌های حق را می‌شناسند ولی به آن‌ها پایبند نیستند.

نتیجه در اسلام، هم کمیت جمعیت (تعداد لازم و کافی) و هم کیفیت جمعیت (حامل و عامل فرهنگ حق بودن) در بسط و تداوم هویت جهان اجتماعی توحیدی مؤثرند.

- سیاست‌های جمعیتی -

● فرزندآوری نیاز فطری انسان‌ها و تأمین جمعیت از کارکردهای نهاد خانواده است. ممکن است جهان اجتماعی در مواقعی با کاهش یا رشد جمعیت مواجه شود.

مثال امروزه جوامع غربی به علت‌هایی مانند بالا رفتن سن ازدواج، افزایش بی‌ثباتی، فروپاشی خانواده‌ها و طلاق، رفاه‌طلبی، عافیت‌طلبی، مصرف‌گرایی و به دنبال آن، هزینه پنداشتن فرزندان و مسئله کاهش جمعیت و عوارضی چون پیری و سالمندی جمعیت مواجه‌اند.

نکته

کاهش جمعیت، شاخص و نشانه جهان اجتماعی متجدد است.

● در مواقعی که جهان اجتماعی با کاهش یا رشد جمعیت مواجه است، نهاد سیاست (که مسئولیت هماهنگی نهادها را بر عهده دارد) برای حل مشکل جمعیت چاره‌اندیشی می‌کند و با همراهی و همکاری مردم تدابیر و راه‌حلهایی را به اجرا درمی‌آورد که سیاست‌های جمعیتی نامیده می‌شود.

سیاست‌های کاهش:

دوره تاریخی	نتیجه
از سال ۱۳۴۵ تا پیروزی انقلاب	کاهش میزان رشد سالانه جمعیت از ۳/۱ به ۲/۷ درصد
از سال ۱۳۶۸ تا ۱۳۹۰	کاهش میزان رشد سالانه جمعیت از ۳/۹ به ۱/۳ درصد

سیاست‌های جمعیتی در ایران

سیاست‌های افزایش:

از سال ۱۳۹۰ تجدید نظر در سیاست‌های کاهش جمعیت شروع شد.

در سال ۱۳۹۳ اصول کلی سیاست‌های جمعیتی کشور تصویب شد.

نکته

هرگونه اقدام به نابودی و حذف فیزیکی کل یا بخشی از جمعیت یک گروه بومی، قومی، مذهبی و ... نسل‌کشی یا پاک‌سازی نسل می‌گویند. پدیده نسل‌کشی در جهان، نشانگر ابعاد هویتی جمعیت است.

نسل‌کشی بومیان قاره آمریکا توسط اروپاییان

نسل‌کشی مسلمانان بوسنی

نسل‌کشی اعراب مسلمان توسط رژیم اشغالگر قدس در سرزمین‌های اشغالی فلسطین

برخی از نسل‌کشی‌های تاریخ

منظور از هویت اقتصادی جامعه چیست؟

به آن دسته از فعالیت‌های روزمره که برای تهیه و تولید وسایل ضروری زندگی و رفع نیازهای مادی و معیشتی خود و دیگران انجام می‌دهیم، کنش اقتصادی می‌گویند.

کنش‌های اقتصادی، بخشی از کنش‌های اجتماعی‌اند؛ زیرا در رابطه با دیگران صورت می‌گیرند.

مجموعه کنش‌ها، روابط و قواعدی که حول تولید و مصرف کالا و خدمات و توزیع درآمد و ثروت صورت می‌گیرد، نهاد اقتصاد را شکل می‌دهند.

نهاد اقتصاد

نهاده‌ها (از جمله نهاد اقتصاد) در تمامی جوامع وجود دارند، ولی انواع و اشکال متفاوتی دارند.

در هر جامعه‌ای، اقتصاد در رابطه با سایر نهادها شکل می‌گیرد و با آن‌ها تناسب پیدا می‌کند.

علاوه بر افراد، جهان‌های اجتماعی نیز هویت اقتصادی دارند.

ویژگی‌های هویت اقتصادی جامعه ایران -

اقتصاد امروز ما، محصول رویدادهای گذشته و عملکرد کنونی ماست.

دستاوردها: گسترش بهره‌مندی مردم از آب، برق، گاز و ارتباطات به ایجاد زیرساخت‌های مختلف مانند سدها

و نیروگاه‌ها؛ توسعه ظرفیت تولیدی کشور در انواع محصولات؛ ارتقای شاخص‌های بهداشت و درمان و ...

معضلات: تورم، بیکاری، وابستگی به نفت، توزیع نابرابر امکانات، تجمل‌گرایی و غلبه فرهنگ مصرفی و ...

از جمله عوامل شکل‌گیری اقتصاد در طول تاریخ معاصر ایران، کشف نفت و سرمایه‌های حاصل از فروش نفت به خارجیان بوده است. سرمایه‌های نفتی می‌تواند به انواع دارایی‌ها مانند صنایع و کارخانجات تولیدی مختلف تبدیل شود. از سوی دیگر، پیامدهای مخربی نیز به همراه دارد:

(۱) درآمد هنگفت و بدون زحمتی ایجاد می‌کند.

(۲) باعث شکل‌گیری تولید ملی ضعیف و شکننده‌ای می‌شود که مستقیم و غیرمستقیم وابسته به نفت است.

(۳) دولت بزرگی به وجود می‌آورد که می‌کوشد رفاه اقتصادی را به مدد نفت و نه رواج کسب و کار، افزایش دهد و حتی هزینه‌های آموزش و بهداشت را به کمک درآمدهای نفتی تأمین می‌کند.

(۴) در «کوتاه‌مدت» احساس رفاه بیشتری همراه با نوسانات «زیاد» برای مردم به ارمغان می‌آورد، اما این وضعیت پایدار «نیست».

(۵) وضعیت شکننده‌ای به وجود می‌آورد که می‌تواند مورد سوء استفاده طمع‌ورزان بین‌المللی قرار گیرد و از آن به عنوان ابزاری برای ایجاد فشار بر جامعه استفاده کنند.

(۶) انواع تحریم‌های اقتصادی و مالی، با همین رویکرد علیه کشورها اجرا شده است تا اولاً درآمدهای نفتی کشور را محدود کنند و ثانیاً از انتقال آن به کشور ممانعت ورزند.

در ایران:

هجوم اقتصادی غرب به ایران تاریخی طولانی دارد:

در زمان قاجار تلاش برای اخذ امتیازات مختلف مانند امتیاز رویترو و رژی

در دوره پهلوی از طریق تاراج نفت، فروش جنگ‌افزار و کالاهای مصرفی و صنایع مونتاژ و تخریب بنیان‌های تولید

ملی به‌ویژه روح خودباوری ملت

علیه سایر ملت‌ها:

از آن جهت که اقتصاد، روزنه ورود استعمار و نابودی هویت سیاسی، اجتماعی و فرهنگی جوامع به شمار می‌رود،

تهاجم اقتصادی در طول تاریخ از سوی استعمارگران غربی علیه سایر ملت‌ها اعمال می‌شده و در مقابل واکنش‌های آن‌ها را به دنبال داشته است.

مثال: کمپانی هند شرقی انگلیس که با ماهیت اقتصادی و تجاری فعالیت می‌کرد، عملاً ابزاری برای هویت‌زدایی

و غارت و چپاول دارایی‌های عظیم مردم هند بود و مقاومت مردم هند به رهبری گاندی، نمونه‌ای از واکنش‌ها

به چنین اقداماتی بود.



نکته

جهان غرب، هویت خود را براساس اقتصاد شکل می‌دهد و سرمایه‌داری، عامل اصلی هویت‌یابی افراد و جوامع غربی است، در این جهان، هویت انسان‌ها و جوامع، بیش از هر چیز به دارایی و توان اقتصادی آن‌ها وابسته است. جوامع دیگری که به تبعیت از غرب، رویکرد سکولار و دنیوی دارند نیز هویت سرمایه‌داری پیدا می‌کنند. این جهان اجتماعی در اقتصاد هیچ مانعی را بر سر راه خود برنمی‌تابد و در مسیر گسترش خود، شیوه‌های اقتصادی غیرسرمایه‌دارانه را در سراسر جهان نابود می‌کند.

برخی کشورهای سلطه‌گر غربی که اقتصاد را اساس همه چیز می‌دانند. ← جنگ اقتصادی تمام‌عیاری علیه کشور ما به راه انداخته‌اند. ← شیوه‌های اقتصادی غیر سرمایه‌داری را نابود شده می‌بینند.

● راه مقابله: ایران اسلامی، آرمان بازسازی هویت اقتصادی خود را با اجرای قانون اساسی و سیاست‌های اقتصاد مقاومتی تعقیب می‌کند. تعریف اقتصاد مقاومتی: اقتصاد مقاومتی، الگویی از اقتصاد پیشرفته، مستقل و مستحکم است که با باور به تعالیم حیات‌بخش اسلام و اتکا به ظرفیت‌های مولد مردمی و دولتی، روحیه جهادی، خلاقیت، نوآوری، امید، همبستگی، و با حضور فعال و مؤثر در تعاملات جهانی، برای مردم ایران، امنیت، رفاه و پیشرفت توأم با عدالت؛ و برای جهان اسلام و بشریت الگویی ایرانی - اسلامی از رشد و شکوفایی را به ارمغان می‌آورد.

♦♦ درس ۱۳ یازدهم: سرآغاز بیداری اسلامی ♦♦

- غرب متجدد، زمانی با جهان اسلام روبه‌رو شد که قدرت‌های سیاسی جهان اسلام، با وجود رعایت ظواهر اسلامی، استبدادهای قومی و قبیله‌ای بودند و عالمان دینی، اغلب براساس ضرورت حفظ امنیت با آن‌ها تعامل می‌کردند.
- فقاقت و عدالت اغلب در حاشیه مناسبات قدرت‌های قومی باقی مانده بودند. دولت‌های کشورهای مسلمان نیز به میزان دوری از سنت‌های دینی و اسلامی، آسیب‌پذیری بیشتری در برابر کشورهای غربی پیدا می‌کردند.
- قدرت نظامی، سیاسی، اقتصادی و جاذبه‌های دنیوی کشورهای غربی، دولتمردان کشورهای اسلامی را مرعوب و شیفته فرهنگ غرب می‌ساخت و این مسئله، عزت و استقلال کشورهای اسلامی را تضعیف می‌کرد.
- از ابتدای رویارویی جهان اسلام با غرب متجدد، جریان‌های فکری و اجتماعی متفاوتی در جهان اسلام شکل گرفت. نخستین بیدارگران اسلامی، روشنفکران غرب‌گرای کشورهای اسلامی و روشنفکران چپ کشورهای اسلامی، نمونه‌هایی از این جریان‌ها هستند که در این درس مورد بررسی قرار می‌گیرند.

♦♦ نخستین بیدارگران اسلامی ♦♦

<p>۱) کسانی بودند که به خطر جوامع غربی و شیوه برخورد دولت‌های اسلامی در برابر غرب، توجه کردند و حرکت‌ها و جنبش‌هایی را در مقابله با غرب به وجود آوردند.</p> <p>۲) به خطر کشورهای غربی برای جوامع اسلامی توجه داشتند و خواستار استقلال اقتصادی و سیاسی جوامع اسلامی بودند.</p> <p>۳) به دنبال اصلاح رفتار دولت‌ها در کشورهای اسلامی بودند.</p> <p>۴) بیداری را بازگشت به اسلام و عمل به آن می‌دانستند.</p> <p>۵) بسیاری از آنان وحدت امت اسلامی و عزت جهان اسلام را دنبال می‌کردند و قومیت‌های مختلف را درون امت واحد اسلامی به رسمیت می‌شناختند.</p>	ویژگی‌ها
<p>● حضور فعال عالمان دینی در مقابله با روسیه تزاری</p> <p>● تدوین رساله‌های جهادیه</p> <p>● اصلاحات امیرکبیر</p> <p>● حکم میرزای شیرازی در تحریم تنباکو</p>	نمونه‌های فعالیت
<p>● با وجود رویکرد اعتراض‌آمیز به غرب، از فرهنگ غرب شناخت عمیقی نداشتند. آن‌ها خطر غرب را بیشتر در سلطه‌گری و قدرت سیاسی و اقتصادی آن می‌دیدند.</p> <p>● برخی از آنان، دوری مسلمانان از عمل به اسلام را عامل ضعف جوامع اسلامی می‌دانستند و گمان می‌کردند دلیل قدرتمندی جوامع غربی این است که عملکرد آن‌ها اغلب همان است که مورد توجه اسلام نیز می‌باشد.</p>	نگاه آن‌ها نسبت به غرب



منورالفکران و روشنفکران غرب گرا

با شکل گیری استعمار و نفوذ دولت های غربی در کشورهای اسلامی، جریان اجتماعی دیگری به موازات نخستین بیدارگران اسلامی شکل گرفت.

← نسل اول ← منورالفکران

← نسل دوم ← روشنفکران (طرفداران چپ)

– منورالفکران غرب گرای کشورهای اسلامی –

- ← شیفته فرهنگ غرب بودند و نسبت به کشورهای استعمارگر احساس خطر نمی کردند، بلکه حضور سیاسی و اقتصادی آنان را فرصت می دانستند.
- ← خواستار اصلاح رفتار دولت ها در کشورهای اسلامی بودند. (شباهت با نخستین بیدارگران اسلامی)
- ← بیداری را بازگشت به اسلام نمی دانستند بلکه بیداری را در تقلید از رفتار فرنگیان می دیدند.
- ← مفهوم امت و ملت اسلامی برای آن ها بی معنا یا منفور بود و در مقابل، به ناسیونالیسم که اندیشه سیاسی قوم گرایانه غرب متجدد بود، روی آورده بودند.
- ← منورالفکران غرب گرا مورد حمایت دولت های استعمارگر غربی بودند و این دولت ها به کمک آنان توانستند از موفقیت بیدارگران اسلامی جلوگیری کنند.
- ← حکومت منورالفکران غرب گرا در کشورهای اسلامی، استبداد استعماری را به دنبال داشت.
- ← نمونه ها ← آتاتورک در ترکیه، رضاخان در ایران و امان الله خان در افغانستان، سه نمونه از قدرت های سکولاری اند که آرمان های منورالفکران غرب زده را با حمایت های دولت های غربی دنبال می کردند.

ویژگی های نسل اول روشنفکران
غرب گرای کشورهای اسلامی

– روشنفکران چپ در کشورهای اسلامی –

نسل اول غرب گرایان جوامع اسلامی، با اتکا به قدرت های استعماری می کوشیدند مظاهر دینی و اسلامی را از بین ببرند و ساختارهای اجتماعی پیشین را حذف و ساختارهای اجتماعی جدیدی ایجاد کنند.	نحوه پیدایش
در هم ریختن نظم پیشین به بهانه رسیدن به جایگاه کشورهای غربی انجام شد، اما در عمل، این کشورها هم چنان در جایگاه کشورهای پیرامونی و استعمارزده باقی ماندند. این مسئله باعث اعتراض برخی از نخبگان غرب گرای این کشورها شد. نخبگان غرب گرایی که به عملکرد نسل اول روشنفکران معترض بودند، نسل دوم روشنفکران را شکل دادند.	
۱) تحت تأثیر جریان های چپ (سوسیالیستی و کمونیستی) در کشورهای اروپایی بودند. ۲) اعتراض آن ها به روشنفکران نسل اول، به دلیل گریز آنان از اسلام یا اسلام ستیزی آنان نبود، بلکه از نوع اعتراضاتی بود که طی قرن بیستم در کشورهای غربی نسبت به عملکرد اقتصادی نظام های لیبرالیستی و سرمایه داری شکل می گرفت. ۳) حرکت های اجتماعی روشنفکران چپ، در چهارچوب اندیشه های ناسیونالیستی، سوسیالیستی و مارکسیستی بود. حرکت های اعتراض آمیز روشنفکران چپ کشورهای مسلمان، اغلب مورد حمایت بلوک شرق قرار می گرفت.	ویژگی ها
۱) برخی از آنان، آشکارا اندیشه های غیرتوحیدی را مطرح می کردند. ۲) برخی دیگر از رویارویی مستقیم با باورهای دینی مردم خودداری می کردند؛ حتی گاهی اندیشه های خود را در پوشش دینی ابراز می کردند. (روشنفکری التقاطی چپ)	انواع جریان های روشنفکری چپ
تا پیش از فروپاشی بلوک شرق، روشنفکران چپ در کشورهای اسلامی جاذبه داشتند. با فروپاشی بلوک شرق، جاذبه های روشنفکری چپ در سطح جهان از بین رفت و این جریان در کشورهای اسلامی نیز جاذبه خود را از دست داد و غرب گرایان این جوامع، بار دیگر به اندیشه های لیبرالیستی غربی روی آوردند.	دوره فعالیت

درس ۱۴ یازدهم: انقلاب اسلامی ایران، نقطه عطف پیداری اسلامی

انقلاب مشروطه

فرایند شکل‌گیری انقلاب مشروطه -

- گام اول ← نخستین بیدارگران اسلامی در ایران، جنبش‌هایی را برای اصلاح رفتار حاکمان و ساختار حکومت قاجار به وجود می‌آوردند.
- گام دوم ← تعامل عالمان شیعی با قاجار براساس «مقاومت منفی» بود.
- **تعریف** ← در مقاومت منفی، حاکمیت پادشاه، ظالمانه و غیرمشروع دانسته می‌شود و همکاری سیاسی با آن، جز در حد واجبات نظامیه انجام نمی‌شود.
- **گام سوم** ← هنگامی که قاجار (به دلیل اثرپذیری از دولت‌های استعماری) به جای مقاومت در برابر بیگانگان به قراردادهای استعماری روی آوردند، «مقاومت منفی» به سوی «فعالیت رقابت‌آمیز» تغییر کرد.
- ← برخورد رقابت‌آمیز عالمان دینی با قاجار، حرکت اصلاحی بود. آن‌ها برای اصلاح برخی رفتارهای پادشاهان قاجار تلاش می‌کردند. جنبش تنباکو نمونه‌ای موفق از فعالیت رقابت‌آمیز اصلاحی است.
- **تعریف:** منظور از فعالیت رقابت‌آمیز، ورود فعال به عرصه زندگی اجتماعی و سیاسی، نه در جهت تأیید قدرت حاکم و حمایت از آن، بلکه در رقابت با آن است.

- **گام چهارم** ← تجربه موفق جنبش تنباکو، فعالیت رقابت‌آمیز را از اصلاح رفتار به اصلاح ساختار تغییر داد و به «جنبش عدالتخانه» منجر شد.
- ← جنبش عدالتخانه فقط به دنبال اصلاح کار یا رفتار خاصی از پادشاه نبود بلکه اصلاح شیوه زمامداری او را هدف قرار داده بود. این جنبش در پی تأسیس مجلسی بود که قوانین عادلانه الهی را تدوین کند و شاه را ملزم سازد که در چهارچوب این قوانین عمل کند. این حرکت، حاکمیت را از مدار استبداد به مدار عدالت منتقل می‌کرد. جنبش عدالتخانه از آن جهت که ساختار سیاسی جامعه را تغییر می‌داد، یک انقلاب اجتماعی بود.
- ← مشکل عدالتخانه این بود که رفتار عادلانه را به کسانی تحمیل می‌کرد که با معیارهای الهی به قدرت نرسیده بودند. آن‌ها قدرت را با شمشیر قوم و عشیره یا حمایت دولت‌های استعمارگر به دست آورده بودند؛ عالم به عدالت نبودند و عمل به عدالت نیز به قدر کافی در شخصیت آن‌ها نهادینه نشده بود.

نکته

منظور از عالمان دینی از مشروطه با منورالفکران تفاوت داشت. منظور عالمان مسلمان از مشروطه، مشروط‌کردن حاکمیت به احکام عادلانه الهی بود اما منورالفکران مشروطه را نوعی حاکمیت سکولار مانند دولت انگلستان می‌دانستند. در جریان انقلاب مشروطه، نزاع و رقابتی سخت بین بیدارگران اسلامی و منورالفکران غرب‌گرا به وجود آمد که پس از دو دهه کشمکش، با حضور قدرت‌های استعماری و دخالت انگلستان، به نفع جریان منورالفکران پایان یافت. حاکمیت منورالفکران در ایران به استبداد استعماری رضاخان ختم شد.

- **گام پنجم** ← رهبران دینی پس از شکست در مشروطه، از موضع فعالیت رقابت‌آمیز به موضع مقاومت منفی بازگشتند. این موضع در مرجعیت شیعه تا شروع انقلاب اسلامی ادامه یافت.

مقایسه مقاومت منفی، فعالیت رقابت‌آمیز اصلاحی و انقلاب اجتماعی -

فعالیت اجتماعی - سیاسی	ویژگی	نمونه تاریخی
مقاومت منفی	همکاری با حاکم نامشروع در حد واجبات نظامیه	تدوین رساله‌های جهادیه
فعالیت رقابت‌آمیز اصلاحی	اصلاح رفتار حاکمان یا ساختار حکومت	جنبش تنباکو
انقلاب اجتماعی	تغییر ساختار سیاسی	جنبش عدالتخانه، انقلاب مشروطه



انقلاب اسلامی ایران

وضعیت زمان وقوع این انقلاب -

- امام خمینی انقلاب را هنگامی آغاز کرد که } شاه تحت حمایت دولت‌های غربی بود و مأموریت حفظ امنیت منطقه را به عهده داشت. }
روشنفکران چپ نیز از صحنه رقابت‌های سیاسی داخلی کشور حذف شده بودند.
- امام خمینی به عنوان یک مرجع دینی، مردم و عالمان را از موضع مقاومت منفی به فعالیت رقابت‌آمیز بازگرداند. این فعالیت رقابت‌آمیز، با اعتراض به کاپیتولاسیون و رفتار استعماری شاه آغاز شد ولی در حد یک حرکت اصلاحی نماند و به صورت یک حرکت انقلابی درآمد که حذف شاهنشاهی و تحقق حکومت اسلامی را دنبال می‌کرد.
 - انقلاب اسلامی، بازگشت مردم ایران به حرکت ناتمامی بود که در مشروطه آغاز کرده بودند. این بازگشت با هزینه نزدیک به صد سال تجربه تاریخی انجام می‌شد؛ تجربه رقابت با منورالفکران غرب‌گرا، استبداد استعماری و روشنفکرانی که در حاشیه بلوک شرق و غرب عمل می‌کردند.

مقایسه این انقلاب با انقلاب‌های آزادی‌بخش قرن بیستم -

- قرن بیستم را قرن انقلاب‌های آزادی‌بخش می‌دانند. در این قرن، انقلاب‌ها و جنبش‌های آزادی‌بخش در بسیاری از کشورهای جهان سوم در آفریقا، آسیای جنوب شرقی و آمریکای لاتین شکل گرفتند.
- انقلاب اسلامی، آخرین انقلاب قرن بیستم است.

انقلاب‌ها	انقلاب‌های آزادی‌بخش قرن بیستم	انقلاب اسلامی ایران
شباهت‌ها و تفاوت‌ها	شباهت	
شباهت	انقلاب‌ها و جنبش‌های آزادی‌بخش قرن بیستم و همچنین انقلاب اسلامی ایران، همگی جهت‌گیری ضداستعماری داشتند و در جهت از بین بردن سلطه سیاسی کشورهای غربی عمل می‌کردند.	
تفاوت‌ها	تفاوت اول	اغلب در مقابل بلوک غرب شکل می‌گرفتند و مورد حمایت بلوک شرق بودند.
	تفاوت دوم	به هیچ‌یک از دو بلوک وابستگی نداشت و از آغاز، جهت‌گیری ضدآمریکایی، ضدصهیونیستی و ضدمارکسیستی خود را اعلان کرد.
	تفاوت سوم	اغلب با جنبش‌های چریکی گروه‌ها و احزاب مختلف شکل می‌گرفتند.
	تفاوت چهارم	در چهارچوب نظریه‌ها و مکاتب چپ شکل می‌گرفتند که برای حل بحران‌های جهان غرب به وجود آمده بودند.
تفاوت‌ها	<p>در مقابل با استعمار قدیم و حذف کارگزاران مستقیم غرب موفق می‌شدند، ولی در قطع وابستگی اقتصادی و فرهنگی توفیقی نداشتند؛ به همین سبب، استعمار با دست کارگزاران این انقلاب‌ها، در چهره استعمار نو بازمی‌گشت. این انقلاب‌ها نتوانستند جایگاه کشورشان را از حاشیه قطب‌های سیاسی و اقتصادی جهان خارج کنند.</p> <p>فقط یک انقلاب سیاسی نبود، بلکه هویتی فرهنگی و تمدنی داشت. این انقلاب بیرون از قطب‌بندی سیاسی شرق و غرب، یک قطب‌بندی جدید فرهنگی به وجود آورد و خود در کانون قطب فرهنگی جهان اسلام قرار گرفت.</p>	

♦♦ درس ۱۵ یازدهم: افق بیداری اسلامی ♦♦

♦♦ ماهیت انقلاب اسلامی ایران ♦♦

انقلاب اسلامی ایران، در چهارچوب آرمان‌ها و ارزش‌های سکولار جهان غرب قرار نداشت، بلکه از متن فرهنگ اسلامی برمی‌خاست و برای حفظ هویت اسلامی و تأمین حقوق ازدست‌رفته امت اسلامی شکل گرفته بود. ^{به همین دلیل} انقلاب اسلامی نخستین انقلابی بود که بعد از انقلاب فرانسه اتفاق می‌افتاد، زیرا هیچ‌یک از انقلاب‌هایی که پس از انقلاب فرانسه رخ داده بودند، یک انقلاب جدید نبودند بلکه همه در جهت بسط و گسترش انقلاب فرانسه بودند.

– جایگاه انقلاب اسلامی ایران در جهان دوقطبی قرن بیستم –

● در جهان دو قطبی قرن بیستم، هویت جنبش‌ها، انقلاب‌ها و کشورها براساس جایگاه و اهمیتشان برای یکی از دو قطب جهان (یعنی بلوک شرق یا غرب) شناسایی می‌شد. بر این اساس:

◀ انقلاب اسلامی ایران اهمیت می‌یافت ^{زیرا} یک نظام سیاسی وابسته به بلوک غرب (پهلوی) را هدف قرار داده بود.

◀ از اهمیت انقلاب اسلامی ایران کاسته می‌شد ^{زیرا} چون به بلوک شرق وابسته نبود. از نظر دولتمردان آمریکا، انقلاب اسلامی به دلیل این‌که با بلوک شرق ارتباط برقرار نمی‌کرد، توان مقاومت نداشت، نمی‌توانست تداوم یابد و دیر یا زود، بار دیگر، دست نیاز به سوی بلوک غرب دراز می‌کرد.

– مقایسه انقلاب اسلامی ایران با انقلاب‌های فرانسه و روسیه –

● با آرمان‌ها و ارزش‌های مدرنی شکل گرفت که پس از رنسانس به وجود آمده بودند.	● این انقلاب ابتدا در خاستگاه خود، فرانسه، گرفتار مشکلاتی شد اما به زودی به صورت سلسله انقلاب‌های ۱۸۳۰م. و ۱۸۴۸م. حیاتی مجدد یافت و همه کشورهای اروپایی را فراگرفت.	انقلاب ۱۷۸۹ فرانسه
● به دلیل رویکرد چپ و سوسیالیستی با دیگر انقلاب‌های اروپایی تفاوت داشت.	● به دلیل سکولاربودن، درون فرهنگ غرب قرار می‌گرفت.	انقلاب ۱۹۱۷ روسیه (انقلاب کمونیستی)
● با الگوگرفتن از فقه اجتماعی و سیاسی شیعی، از منظر دینی و فرهنگی به شناخت بحران‌ها و چالش‌های جهان اسلام پرداخت و با بازگشت به هویت اسلامی، فرصت جدیدی را برای جهان غرب، جهت حل بحران‌های معرفتی و معنوی آن پدید آورد.		انقلاب اسلامی ایران

تأثیرات انقلاب اسلامی ایران بر جهان اسلام

دولتمردان و روشنفکران جهان اسلام قبل از انقلاب اسلامی ایران، اغلب مسائل و مشکلات جوامع خود و جهان اسلام را با یکی از دو رویکرد زیر می‌دیدند:

الف) در رویکرد اول (نسل اول روشنفکران)، مسائل جهان اسلام از نوع مشکلاتی بود که در اثر عقب‌ماندگی تاریخی از جوامع غربی پیش آمده بود.

ب) در رویکرد دوم (نسل دوم روشنفکران)، مسائل جهان اسلام از نوع مشکلاتی بود که لیبرالیسم غربی به وجود آورده بود. کسانی که این رویکرد را داشتند، از موضع اندیشه‌های مارکسیستی و سوسیالیستی با غرب مبارزه می‌کردند.

● مهم‌ترین پیامدهای انقلاب اسلامی در جهان اسلام عبارت‌اند از:

۱) تأثیر گذاری در مسئله فلسطین

تا پیش از انقلاب اسلامی، هر یک از ده‌ها کشور بزرگ و کوچک مسلمان با گرایش به یکی از دو رویکرد گفته‌شده، در حاشیه بلوک شرق یا غرب قرار می‌گرفتند و چگونگی برخوردشان با مسائل مهم جهان اسلام از جمله مسئله فلسطین، تحت تأثیر همین قطب‌بندی بود.

کشورهای زیر نفوذ بلوک غرب	دولت غاصب اسرائیل را به رسمیت می‌شناختند و یا با آن سازش می‌کردند.
کشورهای زیر نفوذ بلوک شرق	جبهه پایداری و مقاومت را تشکیل می‌دادند. گروه‌های مبارز فلسطینی ناگزیر به بلوک شرق می‌پیوستند. بعضی از این گروه‌های فلسطینی هویت مارکسیستی و بعضی دیگر اندیشه‌های ناسیونالیستی داشتند.

انقلاب اسلامی ایران، الگوی نوینی در برابر امت اسلامی قرار داد و افق جدیدی را به روی جهان اسلام گشود. انقلاب اسلامی با بازگشت به اسلام و اتکا به فقه سیاسی و اجتماعی شیعی، مسئله اسرائیل را مسئله جهان اسلام مطرح کرد.

۲) تأثیر در حرکت‌ها و جنبش‌های اسلامی در جهان اسلام؛ از جمله شکل‌گیری انتفاضه و جنبش‌های جدید اسلامی در فلسطین، جهاد اسلامی افغانستان در برابر حکومت وابسته به بلوک شرق، تشکیل جبهه نجات اسلامی در الجزایر و پیروزی اسلام‌گرایان در انتخابات ۱۹۹۰ م. این کشور

۳) جنبش‌ها و انقلاب‌های گسترده مردم در کشورهای عربی از سال ۱۳۸۹ ه.ش؛ که تاکنون به سقوط قدرت‌های سیاسی در چهار کشور عربی منجر شد است (مهم‌ترین پیامد). دولت‌های غربی تلاش کردند تا این انقلاب‌ها را بخشی از فرایند غربی‌شدن کشورهای عربی معرفی کنند و از همین‌رو آن را بهار عربی نامیدند، اما این انقلاب‌ها حکایت از بیداری اسلامی دارند.

۴) انقلاب اسلامی ایران، بیداری اسلامی را از سطح نخبگان به سطح عمومی مردم منتقل کرده است.

جغرافیای فرهنگی جهان جدید

- در ایران رخ داد اما از ذخایر معرفتی شیعی استفاده کرد.
- آرمان‌ها، ارزش‌ها و رسالت خود را به حل چالش‌های جامعه ایران یا شیعیان جهان محدود نکرد.
- براساس آموزه‌های اسلامی، از عزت و اقتدار جهان اسلام پاسداری می‌کرد، دفاع از محرومان و مستضعفان جهان را وظیفه خود می‌دانست، فطرت الهی همه انسان‌ها را مخاطب پیام خود قرار می‌داد و حل مشکلات معرفتی و معنوی بشر را رسالت خود می‌دید.
- در شکل‌گیری یا گسترش اندیشه‌های پسامدرن، به وجود آمدن رویکرد دینی و معنوی به زندگی اجتماعی، در جوامع غربی، از دست رفتن اعتبار ارزش‌ها و آرمان‌های پس از رنسانس و شکل‌گیری نظریه‌های افول سکولاریسم مؤثر بود.
- موقعیت استوار دو قطب سیاسی قرن بیستم را در هم ریخت و قطب‌بندی جدیدی را به جهان تحمیل کرد.
- مقاومت انقلاب اسلامی ایران در دهه نخست پیدایش آن نشان داد بلوک شرق، تنها رقیب بلوک غرب نیست و موقعیت جهان اسلام را به عنوان یک قطب فرهنگی تثبیت کرد.

انقلاب اسلامی ایران

نظریه پایان تاریخ از فوکویاما	فروپاشی بلوک شرق را به شکل‌گیری نظم نوین جهانی بر مدار یک قطب واحد معنا می‌کرد. موفقیت انقلاب اسلامی ایران و پیامدهای جهانی‌اش باطل‌بودن این نظریه را نشان داد.
نظریه جنگ تمدن‌ها از ساموئل هانتینگتون	این نظریه شکل‌گیری قطب‌بندی جدید فرهنگی تمدنی را می‌پذیرفت ولی از یک سو دیگر تمدن‌ها را در عرض تمدن اسلامی قرار می‌داد و جایگاه مهم و محصور به فرد انقلاب و فرهنگ اسلامی را نادیده می‌گرفت و از سوی دیگر با طرح جنگ تمدن‌ها، رویکرد خصمانه جهان غرب را به جنبش‌های اسلامی توجیه می‌نمود و از این طریق، هراسی را که پس از جنگ جهانی دوم نسبت به بلوک شرق وجود داشت، متوجه جهان اسلام می‌کرد.

● دنیای غرب برای نیازهای اقتصادی و سیاسی ناگزیر است با حرکت مستقلی که در جهان اسلام شکل گرفته مقابله کند و به همین منظور فعالیت‌های زیر را انجام می‌دهد:

- (۱) مقابله نظامی و سیاسی مانند آنچه در افغانستان و عراق رخ داده است.
- (۲) محاصره و تحریم اقتصادی از طریق سازمان‌های بین‌المللی مانند آنچه در ایران انجام می‌شود.
- (۳) تبلیغ معنویت‌های کاذب و سکولار در کشورهای غربی برای پرکردن خلأ معنوی فرهنگ غرب.
- (۴) ارائه تصویری خشن و غیرعقلانی از فرهنگ اسلامی از طریق سازماندهی و شکل‌گیری جریان‌های تروریستی وهابی.
- (۵) ارائه تصویرهای سکولار از اسلام و حمایت از اسلام آمریکایی در مقابل انقلاب اسلامی.
- (۶) جنگ رسانه‌ای همه‌جانبه در برابر حرکت فرهنگی جهان اسلام.
- (۷) ایجاد اختلافات فرقه‌ای و مذهبی برای تضعیف جهان اسلام.